

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۱/۰۳

بررسی شبهات وهابیت در مسئله «تقیه» (۷۲) - ترک سنت قطعی پیامبر به خاطر بغض با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با تقیه از دیدگاه سیره مسلمین بود که در این خصوص دیروز روایاتی را مطرح کردیم. یکی از این روایات در رابطه با «ابن عباس» بود؛ زمانی که مشاهده کرد مردم در عرفات تلبیه نمی‌گویند بیرون می‌آید و می‌گوید:

«اللهم العنهم فقد تركوا السنة من بغض على رضى الله عنه»

خدایا لعنت کند کسانی که سنت پیغمبر را به خاطر بغض امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ترک کردند.

المجتبى من السنن، اسم المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، دار النشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبدالفتاح أبو غدة، ج ۵، ص

۲۵۳، ح ۳۰۰۶

البته عرض کردیم که این عبارت «اللهم العنهم» در منابع مختلف دیگر مورد تحریف قرار می‌گیرد.

این را هم عرض کردیم که مسئله تلبیه در عرفات و منا را آن‌ها نقل می‌کنند، اما ما قبول نداریم. ما تلبیه را در عرفات و منا جایز نمی‌دانیم. این مسئله از دیدگاه اهلبیت (علیهم السلام) مورد قبول نیست.

این قضیه همانند قضیه نماز تراویحی است که آن‌ها درست کردند. ان شاء الله در فرصتی مناسب در رابطه با تلبیه به طور مفصل صحبت خواهم کرد.

آقای «محمد بن عبدالهادی سندی» متوفای ۱۱۳۸ بر «سنن نسائی» حاشیه‌ای دارد. ایشان در آنجا می‌گویند:

«من بغض علی آى لأجل بغضه آى وهو کان یتقید بالسنن فهؤلاء ترکوها بغضا له»

امیرالمؤمنین در منا و عرفات تلبیه می‌گفتند، به همین جهت آن‌ها برای اینکه با امیرالمؤمنین مخالفت کنند تلبیه را ترک کردند.

حاشیه السندی علی النسائی، اسم المؤلف: نور الدین بن عبدالهادی أبو الحسن السندی، دار النشر:

مکتب المطبوعات الإسلامية - حلب - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبدالفتاح أبو غدة، ج ۵،

ص ۲۵۳، ح ۳۰۰۶

ما روایات متعددی داریم مبنی بر اینکه بسیاری از کارها از روی بغض حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) انجام شد که این هم یکی از آن موارد است.

بنده سابقاً هم عرض کردم که معاویه دستور داد که تلاش کنید روایاتی خلاف روایاتی که از امیرالمؤمنین نقل می‌کنند را نقل کنید و این سنت همین طوری ادامه داشت.

مرحوم «شیخ انصاری» عبارتی دارد که البته بنده در کتب اهل سنت خیلی گشتم ولی آن را ندیدم. اگر دوستان

مدرکی برای آن پیدا کردند ما را هم در جریان بگذارند؛ که نقل است «ابوحنیفه» تلاش داشت هر فتوایی که

امام صادق (علیه السلام) داشتند، فتوایی خلاف فتوای امام صادق صادر کند!!

تا اینکه یک روزی از او سؤال کردند که آیا وقتی ما به سجده می‌رویم، چشمان باز باشد یا بسته باشد؟! او گفت: من نمی‌دانم امام صادق چه فتوایی داده است، اما شما یک چشمتان را ببندید و یک چشمتان را باز کنید که در هر صورت مخالفت قطعیه با فتوای امام لازم می‌آمد.

اگر امام صادق گفته باشد چشمتان را ببندید، شما خلاف فرمایش ایشان عمل کردید و یک چشمتان باز است. و اگر گفته باشد که چشمتان را باز کنید، یک چشم شما بسته است!!

«شیخ انصاری» هیچگاه روایتی بدون مدرک بیان نمی‌کنند ولی بنده این روایت را در کتب روایی شیعه هم نتوانستم پیدا کنم و با توجه به گشت مختصری که داشتم سند معتبری که این روایت را نقل کرده باشد پیدا نکردم. بنده خیلی زیاد در کتب شیعه جستجو نکردم، اما در کتب اهل سنت اثری از آن مشاهده نکردم. دوستان با استفاده از این نرم افزارهای جدید می‌توانند این روایت را بررسی کنند.

«نیشابوری» در رابطه با سبب ترک جهر به بسم الله در نماز تعبیر زیبایی دارد. در این مورد روایت قطعی وجود دارد که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نماز ظهر و عصر بسم الله را به جهر می‌خواندند و «فخر رازی» هم در این باره می‌گوید:

«جهر به بسم الله من دین علی من اتخذ دین علی دینه فقد اهدى فانه مع الحق و الحق معه»

ایشان می‌گویند:

«وأيضا ففيها تهمة أخرى وهي أن عليا عليه السلام كان يباليغ في الجهر بالتسمية فلما وصلت الدولة إلى

بنی أمية بالغوا في المنع من الجهر سعيا في إبطال آثار علي عليه السلام»

در اینجا تهمت دیگری هم وجود دارد مبنی بر اینکه علی در جهر به بسم الله مبالغه می کرد. وقتی زمان خلافت بنی امیه رسید، آنها تلاش می کردند تا با منع از جهر به بسم الله آثار امیرالمؤمنین را باطل کنند و با ایشان مخالفت کنند.

التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی، سنة الولادة ۵۴۴ /
سنة الوفاة ۶۰۴، الناشر دار الکتب العلمیة، سنة النشر ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۱، ص ۱۶۹، الباب الرابع

ما در رابطه با کلمه «اللهم العنهم فقد ترکوا السنة» عرض کردیم که علی رغم نقل آن در کتب اهل سنت، ولی در احادیث مختاره چیزی نیامده بود و «ابن تیمیه» هم تمام احادیث مختاره را «صحاح» خطاب کرده است. در کتاب «مستدرک» اثر «حاکم نیشابوری» وارد نشده؛ در کتاب «صحیح ابن خزیمه» مطلبی در این خصوص بیان نشده است و در کتاب «سنن نسائی» هم نیامده است. ولی عبارت «فقد ترکوا السنة من بغض علی» در منابع متعدد اهل سنت وجود دارد.

حال ما می خواهیم روی «ترکوا السنة» که این آقایان آوردند، مطلب را تثبیت کنیم، زیرا «ترکوا السنة من بغض علی» متفق علیه «ابن خزیمه»، «حاکم نیشابوری»، «نسائی» و همچنین احادیث مختاره است. ما روایت صحیح از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) داریم که راوی این روایت هم عایشه است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در این روایت فرمودند:

«سِنَّةٌ لَعْنَتُهُمْ وَلَعْنَتُهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ»

شش دسته هستند که هم من و خداوند متعال و هم تمام انبیاء آنها را لعنت کردند.

«الزَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَالْمُكَدَّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ وَالْمُسَلَّطُ بِالْجَبْرُوتِ لِيَذِلَّ بِذَلِكَ مَنْ عَزَّ اللَّهُ وَيُعِزَّهُ بِهِ مَنْ أَدَلَّ
اللَّهُ وَالْمُسْتَجِلُّ لِحَرَمِ اللَّهِ وَالْمُسْتَجِلُّ مِنْ عَثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ... وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي»

جناب آقای «نسائی»! شما روایت «اللهم عنهم فقد تركوا السنة النبي» را به خاطر رضایت معاویه یا صحابه حذف کردید. ولی شما عبارت «تركوا السنة» را که دارید و «تركوا السنة» بدتر از آن است.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در مورد کسانی که مرتکب «وَالتَّارِكِ لِسُنَّتِي» شوند، می فرماید:

«وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ»

خود «ترمذی» مطالبی در مورد سند روایت بیان می کند و بعد می گوید:

«وَهَذَا أَصْحَحُّ»

این روایت صحیح ترین روایتی است که من آوردم.

الجامع الصحیح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۴، ص ۴۵۷، ح ۲۱۵۴

همچنین در کتاب «السنة» اثر «ابن ابی عاصم» وارد شده است:

«سنة لعنتهم وكل نبي مجاب... والتارك لسنتي»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

۱۴۰۰، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۱، ص ۲۴، ح ۴۴

آقای «ابن حبان» در کتاب «صحیح» خود نقل می کند که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

شش دسته افراد هستند که هم من آنها را لعنت کردم، هم خداوند متعال آنها را لعنت کرده است و تمام

پیغمبران مجاب الدعوة هم آنها را لعنت کرده است.

«... وَالتَّارِكِ لِسُنَّتِي»

صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، اسم المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي،
دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ج ۱۳،
ص ۶۰، ح ۵۷۴۹

همچنین «طبرانی» در کتاب «معجم کبیر» خود این روایت را آورده است. مشهور بر این است که روایات کتاب
«معجم کبیر» معتبر است. او می‌گوید:

«سِنَّةٌ لَعْنَتْهُمْ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٌ»

در ادامه می‌گوید:

«وَالتَّارِكُ لِلسُّنَّةِ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -
الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ۱۳، ص ۱۲۶، ح
۲۸۸۳

آقای «حاکم نیشابوری» روایتی را از عایشه بیان می‌کند و در آنجا می‌گوید:

«... والتارك لسنتي»

و در ادامه می‌گوید:

«وهذا حديث صحيح الإسناد ولا أعرف له علة ولم يخرجاه»

این روایت صحیح است و هیچ اشکالی در سند آن نیست ولی بخاری و مسلم آن را ذکر نکردند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ١، ص

٩١، ح ١٠٢

باز «حاكم نيشابوري» در روايت ديگري از عايشه نقل مي‌کند:

«قال رسول الله ستة لعنتهم لعنهم الله وكل نبي مجاب المكذب... والتارك لسنتي»

هذا حديث صحيح على شرط البخاري ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٤، ص

١٠١، ح ٧٠١١

«هيثمي» هم اين روايت را نقل مي‌کند و مي‌گويد:

«ستة لعنتهم ولعنهم الله وكل نبي مجاب»

او اين روايت را نقل مي‌کند و مي‌گويد:

«رواه الطبراني في الكبير وفيه عبدالله بن عبد الرحمن بن موهب قال يعقوب بن شيبه فيه ضعف

وضعه يحيى بن معين في رواية ووثقه في أخرى وقال أبو حاتم صالح الحديث ووثقه ابن حبان»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي، دار النشر: دار الريان للتراث/دار

الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ١٤٠٧، ج ١، ص ١٧٦، باب فيمن يستحل الحرام أو يحرم الحلال أو

يترك السنة

پرسش:

«حاکم نیشابوری» در این روایت «صحيح على شرط البخارى ولم يخرجاه» آورده و این را به صورت تثنیه آورده است.

پاسخ:

شرط «بخاری» شدیدتر از «مسلم» است. اگر «بخاری» این روایت را نقل کرد و شرایط «بخاری» را داشت، قطعاً به معنای این است که شرایط «مسلم» را هم دارد، اما اینطور نیست که شرایط «صحيح مسلم» را داشته باشد و «صحيح بخارى» را نداشته باشد.

«ذهبی» هم در کتاب «الكبائر» همین روایت را آورده است. بنابراین ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ثابت شد بر اینکه این آقایانی که خواستند عبارت «اللهم العنهم» را از روایت:

«اللهم العنهم قد تركوا السنة من بغض على رضى الله عنه»

حذف کنند، قد تركوا السنة را می خواهند چه بکنند؟ می گوید اینها تارک سنت هستند. رسول گرامی اسلام هم درباره افرادی که سنت پیغمبر اکرم را ترک می کنند، فرمودند:

«سِنَّةٌ لَعْنَتْهُمْ وَلَعْنَتُهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ»

روایاتی که علمای اهل سنت آن را مورد تغییر قرار دادند، روایات بسیاری است و کم نیست. اگر ما بخواهیم روی احادیثی که علمای اهل سنت آن را تحریف کردند کار کنیم، شاید بیش از سی جلسه یک ساعته نیاز داشته باشیم تا امهات روایاتی که علمای اهل سنت در طول چهارده قرن تحریف کردند را پیدا و تثبیت کنیم.

انشاءالله در فرصتی مناسب یک یا دو جلسه نسبت به امهات روایاتی که تحریف شده مطالبی را بیان می کنم و فایل آن را هم در اختیار دوستان قرار می دهم، زیرا ما روی این مسائل زیاد کار کردیم.

در سال ۱۳۵۱ آیت الله مرعشی نجفی که لطف خاصی نسبت به بنده داشتند، به من امر فرمودند که در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی طبقه بالا بخش مخطوطات کتابخانه، به همراه یک لجنه هشت نفر، کتب اهل سنت را تصحیح کنیم.

بنده که مسئول لجنه بودم، هشت چاپ بخاری را در اختیار هشت نفر قرار داده بودم و همانند قرائت قرآن کریم یک نفر می‌خواند و هفت نفر دیگر هم به تصحیح کلمات جا افتاده و تغییر کرده می‌پرداختند و ما هم این کلمات را یادداشت می‌کردیم.

ما این روش را در مورد کتاب‌های دیگر اهل سنت هم در پیش گرفتیم. اصلاً علت ورود ما به بحث‌های ولایی از آن زمان شروع شد.

ما مشاهده کردیم اینها به خاطر بغضی که نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) داشتند چه جنایاتی مرتکب شده‌اند.

عجیب بود که هرچه روایات کتاب «بخاری» را می‌خواندیم، عشق و علاقه ما به روایات اهل بیت (علیهم السلام) و روایات «کافی» بیشتر می‌شد. در این کتب، احادیثی وجود داشت که واقعاً مرغ پخته به آن می‌خندید!!

آنچنان که دزد ناشی به کاهدان می‌زند، احادیث جعلی و نادرست اهل سنت هم واقعاً مشخص است و نیاز به تحقیق و بررسی نیست. زمانی که به انبیاء می‌رسند، بحث‌هایی را مطرح می‌کنند که اصلاً عقل بشری او را نمی‌پذیرد. به عنوان مثال نسبت به حضرت ابراهیم (علیه السلام) که خلیل الرحمن است بیان می‌کنند که نستجیر بالله برای نجات جان خودش همسرش را برای تجاوز، نزد حاکم جائر می‌فرستد!!!

شخصی که پیغمبر هم نباشد و شخص رذل و لاتی که کمی غیرت ناموسی داشته باشد، چنین کاری انجام نمی‌دهد.

بنده گاهی اوقات زمانی که این روایات را می بینم، بدنم به رعشه می افتد. در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

«هَاجَرَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسَارَةٍ فَدَخَلَ بِهَا قَرْيَةً فِيهَا مَلِكٌ مِنَ الْمُلُوكِ أَوْ جَبَّارٌ مِنَ الْجَبَابِرَةِ فَقِيلَ دَخَلَ
إِبْرَاهِيمُ بِامْرَأَةٍ هِيَ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ مِنْ هَذِهِ أَلْتِي مَعَكَ»

سپس می گوید:

«فَأَرْسَلَ بِهَا إِلَيْهِ فَقَامَ إِلَيْهَا فَقَامَتْ تَوَضُّأً وَتُصَلِّي فَقَالَتْ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ أَمْنْتُ بِكَ وَبِرَسُولِكَ وَأَخْصَنْتُ
فَرْجِي إِلَّا عَلَى زَوْجِي فَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ الْكَافِرَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٢، ص

٧٧٢، ح ٢١٠٤

در کتاب «فتح الباری شرح صحیح البخاری» به صراحت می گوید:

«مع أن ذلك الظالم يريد اغتصابها على نفسها أختا كانت أو زوجة فقيل كان من دين ذلك الملك أن
لا يتعرض الا لذوات الأزواج»

در این روایت وارد شده است که حضرت ابراهیم همسرش را نزد پادشاه برد و گفت او خواهرم هست، و نگفت
زنم هست. چرا؟ چون آن ها به زن های متعرض می شدند که شوهر دارند.

حال عقل و شعور «ابن حجر» را نگاه کنید! گویا یک شخص قصاص و داستان گو وظیفه دارد روایات جعلی و
اسرائیلی «بخاری» را به نوعی توجیه کند. لذا می گوید:

«إبراهيم أراد دفع أعظم الضررين بارتكاب أخفهما وذلك أن اغتصاب الملك إياها واقع لا محالة»

در اینکه پادشاه می‌خواست به همسر ابراهیم تجاوز کند شکی نبود.

«لكن إن علم أن لها زوجا في الحياة حملته الغيرة على قتله واعدامه أو حبسه واضراره بخلاف ما إذا علم

أن لها أختا فإن الغيرة حينئذ تكون من قبل الأخ خاصة»

سپس می‌گوید:

«كان من رأى الجبار المذكور أن من كانت متزوجة لا يقربها حتى يقتل زوجها فلذلك قال إبراهيم هي

أختي»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۶، ص ۳۹۳، ح ۳۱۷۹

مشاهده کنید که تمام این روایات نشانگر این است که حضرت ابراهیم همسر خود را نزد ملک می‌فرستد و

قصد پادشاه هم تجاوز به همسر اوست!! آیا در اینجا وظیفه یک انسان غیور چیست؟! باید چکار کند!؟

«مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۱۵، ص ۱۲۰، ح ۲۰۱۱۴

و یا:

«مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۵،

ص ۵۲، ح ۳

روایاتی از این قبیل در حق یک افراد عادی بیان شده است، نه در حق یک پیغمبر اولوالعزمی همانند حضرت ابراهیم!!

و یا در روایات اهل سنت وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) چند بار تصمیم بر خودکشی می‌گیرد:

«يَتَرَدِّي مِنْ رُؤُوسِ شَوَاهِقِ الْجِبَالِ»

زمانی که وحی دیرتر نازل شد پیغمبر اکرم تصمیم گرفت به بالای کوه برود.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٦، ص

٢٥٦١، ح ٦٥٨١

در آن زمان ساختمان‌های چندین طبقه نبود که بروند از آن بالا خود را به پایین پرت کند. در این روایت وارد شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به بالای کوه رفته تا از آن بالا خود را به پایین پرت کند و بکشد!! هر دفعه که بالای کوه رفت جبرئیل به ایشان می‌گفت: پیغمبر! اینقدر ناراحت نباش و مقداری آرام باش.

مشاهده کنید که واقعاً نسبت دادن این مطالب به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از سر بی‌حیایی است. واقعاً نهایت بی‌وجدانی و بی‌شرفی است و دیگر بدتر از این توهین نمی‌تواند به رسول گرامی اسلام نسبت دهد!!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که نمی‌تواند خود را کنترل کند و از خودکشی نجات بدهد؛ چطور می‌خواهد مردم را نجات بدهد!؟

پیغمبری که اینقدر اعتماد و اطمینان به خداوند متعال و یقین به ذات باری تعالی ندارد و حتی صبر در برابر دیر آمدن وحی ندارد؛ انتظار دارد که امتش در برابر ناملایمات صبر و تحمل کنند؟!

در روایات دیگری بیان شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ایستاده بول می‌کردند!! در کتاب «ضعفاء» وارد شده است که در رابطه با «سماک بن حرب» می‌گوید:

«فرأیته یبول قائما فرجعت ولم اسأله عن شیء قلت»

الضعفاء، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الله بن أحمد أبو نعیم الأصبهانی الصوفی، دار النشر: دار الثقافة -

الدار البيضاء - ۱۴۰۵ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، تحقیق: فاروق حمادة، ج ۳، ص ۴۶۰، ح ۸۷۵

می‌گوید رفته بودم از سماک بن حرب روایت بگیرم که دیدم ایستاده بول می‌کند. برگشتم و گفتم کسی که ایستاده بول کند صلاحیت نقل روایت ندارد. این در حالی است که به وقاحت می‌گویند: رسول گرامی اسلام ایستاده بول می‌کرد!!

در کتاب «مجموع» اثر «نووی» که از او به فقیه امت تعبیر می‌کنند، وارد شده است:

«أن النبی کان یبول قائما فلا تصدقوه، ما کان یبول إلا قاعدا رواه أحمد والترمذی والنسائی وابن ماجه

والبیهقی وغيرهم وإسناده جید وهو حدیث حسن. وأما الحدیث الآخر أن النبی أتى سباطة قوم فبال

قائما فصحیح رواه البخاری ومسلم»

سپس می‌گوید:

«وصار هذا عادة لأهل هراة یبولون قیاما فی کل سنة مرة إحياء لتلك السنة»

مردم هرات هر ساله یک مرتبه ایستاده بول می‌کنند تا سنت پیغمبر اکرم فراموش نشود.

المجموع، نویسنده : النووي، ج ۲، ص ۱۰۳، باب الاستطابة

هزار مرحبا به این احیای سنت!! این شخص چنین جسارتی کرده است و به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) افترا بسته است؛ به جای اینکه بگویند هرکسی چنین نسبتی داده غلط کرده است، می‌گوید: ما نباید سنت پیغمبر اکرم را ترک کنیم!!

یادر روایت دیگری وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در یک شب با یازده همسر خود همبستر می‌شد. راوی می‌گوید: مگر می‌شود در یک شب با یازده همسر همبستر شود؟! در جواب می‌گوید:

«أَنَّهُ أُعْطِيَ قُوَّةَ ثَلَاثِينَ»

پیغمبر اکرم قدرت شهوت سی جوان را داشت.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۱، ص ۱۰۵، ح ۲۶۵

این شخص یک دروغ می‌گوید و به جهت اینکه دروغ خود را تصحیح کند، دروغ دیگری به آن اضافه می‌کند. از طرف دیگر هم از عایشه روایتی نقل می‌کنند که انسان شرمش می‌آید نقلش کند!

پیغمبر اکرم زمانی که به مدینه آمدند نزدیک ۵۴ سال داشتند و در ۶۳ سالگی هم از دنیا رفتند. عایشه می‌گوید: گاهی اوقات پیغمبر اکرم با کهولت سنی که داشتند با من همبستر می‌شدند ولی انزالی صورت نمی‌گرفت و ما می‌رفتیم و غسل می‌کردیم.

ما نمی‌دانیم روایت «صحيح بخاری» را قبول کنیم یا حرف عایشه را قبول کنیم!! امثال این قضایا در کتب اهل سنت فراوان وجود دارد.

من بارها گفتم که یا پیغمبر اکرم این مطالب را بیان کرده است و یا همسران پیغمبر اکرم آن‌ها را بیان کرده‌اند و یا «انس» از میان درب تماشا کرده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در یک شب با یازده همسر خود همبستر شده است!!

اگر ما بگوییم «انس» چنین کاری کرده است، می‌گویید: «انس» عادل است و چنین کاری نمی‌کند! اگر هم بگوییم که همسران پیغمبر اکرم این مطالب را بیان کرده‌اند، می‌گویید: «همسران پیغمبر اکرم فوق عصمت دارند!» فقط می‌ماند پیغمبر اکرم؛ که آن هم اشکالی ندارد!!

از طرفی دیگر در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد ۶ وارد شده است که می‌گوید: به پیغمبر اکرم گفتیم که شخصی با همسر خود ارتباط برقرار می‌کند و آن را برای دیگران تعریف می‌کند. رسول الله فرمودند:

«فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِثْلُ الشَّيْطَانِ»

این شخص کار شیطانی می‌کند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۲۷۶۲۴

حال تکلیف ما چیست؟! همچنین در کتاب «صحيح مسلم» روایتی وارد شده است که می‌گوید:

«إِنَّ مِنْ أَشْرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلَ يَفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا»

شروترترین انسان‌ها کسی است که با همسرش ارتباط برقرار کند بعد برای دیگران نقل کند.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٢، ص ١٠٦٠، ح ١٤٣٧

همچنین در کتاب «مدارج السالكين» اثر «ابن قيم جوزيه» است که «أنس به مالک» می‌گوید: نزد عثمان رسیدم و در راه بعضی از زنان را تماشا کرده بودم. عثمان علم غیب داشت، او گفت:

«يدخل على أحدكم وأثر الزنا ظاهر في عينيه»

شخصی وارد شده است که اثر زنا در چشم او ظاهر است.

من به عثمان گفتم:

«أوحى بعد رسول الله»

بعد از رسول الله به شما وحی شد که من در راه چکار کردم؟!!

«فقال: ولكن تبصرة وبرهان وفراصة صادقة»

عثمان گفت: نه من چشمانت را دیدم که برق می‌زند و برق زدن چشم در این سن و سال عجیب است.

مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، اسم المؤلف: محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو

عبد الله، دار النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - ١٣٩٣ - ١٩٧٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: محمد حامد

الفقهي، ج ٢، ص ٤٨٦، فصل و الفراسة ثلاثة أنواع

مشاهده کنید اگر ما بخواهیم از این مطالب در احادیث آقایان بیاوریم که با سند صحیح هم نقل کردند، موارد فراوانی می‌توانیم مطرح کنیم. شما این احادیث را که در صحیح‌ترین کتب بعد از قرآن کریم وارد شده است را

بینید و نسبت به روایات اهل بیت (علیهم السلام) مقایسه کنید ببینید که چه قدر تفاوت دارند!

پرسش:

امکان ندارد که این مطالب بعداً به این کتب اضافه شده باشد؟!

پاسخ:

نه؛ آقایان معتقدند که کتاب بخاری از ابتدا تا انتها صحیح است و هیچگونه اشکالی ندارد. حتی معتقدند که اگر کسی تصمیم بگیرد نسبت به کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» تحقیق کند، کار بدعت انجام داده است و امری مبتدع است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته